

جلوه‌های علم و حلم در وجود عالم آل‌رسول (ص)



حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد واعظ‌موسی
خطیب مذهبی و از مشران آستان قدس رضوی

امام‌رضا^(ع) با جبر مأمون به ولایتعهدی برگزیده شدند. مأمون فردی زیرک و باهوش بود و می‌کوشید با این اقدام، صدای اعتراض آل‌علی^(ع) را بخواباند و با این روش هوشمندانه، قیام علویان در جای‌جای سرزمین‌های اسلامی را سرکوب کند و مدعی شود وقتی در رأس آل‌علی^(ع)، علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) حضور دارد و ولایتعهدی من را پذیرفته است، پس دلیلی برای مخالفت با خلافت و قیام علیه من وجود ندارد.

اما مناظرات و مباحث علمی امام‌رضا^(ع) بیش از هرچیز، مکر و توطئه مأمون را برملا کرد. حضرت یک‌تنه در مباحث با علمای ادیان و مکاتب، شرکت کردند و بر آن‌ها پیروز شدند و این پیروزی‌ها، آوازه امام را دوچندان بلند کرد و ایشان بهترین استفاده و پیام‌رسانی را کردند؛ به همین دلیل هم مأمون دیگر تاب نیاورد و با اینکه خود، امام‌رضا^(ع) را به ولایتعهدی منصوب کرده بود، درصدد قتل ایشان برآمد و همان‌طور که برادران یوسف^(ع) درصدد قتل برادر برآمدند تا خود در چشم پدر دیده شوند، مأمون هم که احساس می‌کرد وجود ثامن‌الحجج^(ع) او را از چشم‌ها انداخته است، برای آنکه در کانون توجهات باشد، نقشه قتل حضرت را کشید و ایشان را به شهادت رساند.

جلسات مناظرات امام‌رضا^(ع) به قدری دیدنی بود که گاه از هنگام صبح تا زمان نماز و غذا، متوقف می‌شد و دوباره ادامه می‌یافت. اهمیت این مناظرات آنجا بود که عالم آل‌رسول^(ص) که یک‌تنه مقابل افکار و آرای پیروان ادیان و مکاتب می‌ایستادند، باید بر افکار و آرای مسیحیت و تورات مسلط می‌بودند تا بر آن‌ها در بحث و جدل توفیق می‌یافتند، همچنین است در مناظره بابزرگان اهل سنت. این‌ها نبود مگر به دلیل علم خاص آن حضرت که اکتسابی نبود، بلکه از رسول خدا^(ص) به‌ارث برده بودند.

مأمون اگرچه کیس و زیرک بود، با آن همه هوش و درایت مقابل امام‌رضا^(ع) رانو می‌زد و مقهور علوم رضوی بود و مردم در شگفت بودند که چطور با حضور عالم آل‌محمد^(ص)، فردی چون مأمون باید بر مردم و امت اسلامی حکومت کند؟ همین هم باعث شد درصدد قتل امام‌رضا^(ع) برآید و نتواند آن وجود مقدس را تحمل کند. در کتاب‌های حدیثی آمده است: زمانی نمازجمعه در شهر مرو هنگامی که علی‌بن‌موسی‌الرضا^(ع) ولیعهد بودند، برپا شد، شخصی به محضر امام‌رضا^(ع) رسید و عرض کرد: امروز مردم درباره امامت ولایت‌بایکدیگر مباحثه داشتند. حضرت تبسمی کردند و فرمودند: «مردم نمی‌دانند ولایت و امامت چیست» و سپس کلاسی‌فشرده درباره امامت و ولایت برای آن فرد برگزار و با این آیه شروع کردند که: «وَإِذْ أَنْتَلَىٰ إِِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ يُكَلِّمُتْ فَأَنْتَهُنَّ قَالَ إِنِّي خَالِڪٌ لِّلنَّاسِ إِمَآمًا قَالَ وَنَـّٰنْ ذَرٰیئِیْ قَالَ لَا یُنَآلَ عَهْدِی الظَّالِمِیْنَ» (به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود، او به خوبی از عهده این آزمایش‌ها برآمد. کرد: «از دودمان من (نیز) امامانی قرار بده!» خداوند فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد.» (و تنها آن دسته از فرزندان تو که پاک و معصوم باشند، شایسته این مقامند)» (بقره، ۱۲۴).

سپس از این آیه، قانونی‌ابدی را استخراج کردند و فرمودند: «این آیه، امامت و پیشوایی ظالمان را تا روز قیامت باطل کرده است.»

این نشان می‌دهد وقتی عترت را کنار قرآن بگذاریم، قرآن توسعه و وسعت می‌یابد، اما وقتی امام را از کنار قرآن برداریم، تفاسیر و برداشت‌ها سطحی می‌شود. ایشان با این بیان و تعبیر قرآن، امامت هر ظالمی را باطل اعلام و تأکید کردند: «هیچ ظالمی نمی‌تواند بر انسان‌ها امامت کند». امام‌رضا^(ع) با این شیوه‌ها به زیبایی از امامت دفاع می‌کردند یا با بیان حدیث سلسله‌الذهب، امام را شرط توحید معرفی کردند، این یعنی توحید بدون امامت و ولایت، توحید نیست و از آن سوءاستفاده می‌شود.

شرح حدیث

پیگیر باش

لازم نیست خیلی اهل مطالعه و خواندن کتاب‌های مهارت زندگی باشیم تا بدانیم برای میسر شدن هر هدفی، کافی است هر روز قدمی کوتاه برداریم تا اندک‌اندک به آن هدف برسیم. تجربه زندگی بزرگان و سخنان ائمه‌اطهار^(ع) نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

امام سجاده^(ع) فرموده‌اند:

إِنِّیْ لِأَجِبُّ أَنْ أَدَومَ عَلَی الْعَمَلِ وَإنْ قَلَّ

من دوست دارم کار را هرچند اندک باشد، ادامه و استمرار دهم.

(کافی، ج ۲، ص ۸۲).



شرح حدیث:

این مفهوم در روایات متعدد آمده است که «کار اندک اما مستمر، بهتر از کار بسیاری است که ملال‌آور باشد». حدیث امام سجاده^(ع) نیز همین نکته را بیان می‌کند.

به این مثال دقت کنید؛ گاهی رگبار تند باران، باسروصدای زیاد می‌بارد، همه چیز را درهم می‌نوردد، سیل راه می‌افتد و گاهی آسیب‌هایی به خانه‌ها، مزرعه‌ها و جاده‌ها وارد می‌کند.

اما منم باران، اگر چند روز هم پیاپی بیاید، زمین‌ها سیراب می‌شوند، خسارتی در کار نیست، هوا لطیف می‌شود و درختان و گیاهان تشنه به حد کافی بهره می‌برند. در زندگی ما نیز، کار کم، ولی پیوسته و ادامه‌دار، بهتر از کار پر حجم و سنگینی است که تداوم نداشته باشد. در عبادات نیز همین‌طور است.

بعضی‌ها چند روزی به شدت به مستحبات و نوافل و ذکر و قرآن و دعا روی می‌آورند، ولی بعد خسته می‌شوند و آن را به‌کلی ترک می‌کنند. بعضی هم مثلاً روزی یک صفحه قرآن می‌خوانند یا فقط یک نافله می‌خوانند، ولی آن را به‌طور مستمر انجام می‌دهند. این کار، ثمربخش‌تر و بهتر است.

در دعای کمیل می‌خوانیم:

«و الدَّوامُ فی الإِتِّصالِ یُخَدِّمُکَ...» و از خدا می‌طلبیم که پیوستگی و استمرار در خدمت خدا بودن و الهی زیستن و دعا و مناجات را به ما قسمت کند. درس خواندن، قرآن و حدیث حفظ کردن، صدقه دادن و عبادت کردن، اگر دوام داشته باشد، هرچند اندک، محبوب‌تر و ثمربخش‌تر است.

اسب تازی دو تگ رود به شتاب

اشتر آهسته می‌رود شب و روز

گلستان سعدی

منبع: حکمت‌های سجادی (ترجمه و توضیح چهل حدیث از امام‌سجاده^(ع)، جواد محدثی.



شماره ۲۷
۱۴۳۳
۱۳ خرداد ۱۴۳۳
شنبه

۱۴



احترام به زمین

در فرهنگ اسلامی، محیط زیست اهمیت و قداست بسیار دارد و در آیات و روایات بر حفظ وحراست‌از آن تأکید فراوان شده است؛ چون نظام هستی که ما در آن زندگی می‌کنیم، «نظام احسن» معرفی شده‌است. لذا انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات، باید از این نظام احسن مراقبت و مواظبت کند. حراست و مراقبت از نظام احسن هستی به اندازه‌ای اهمیت دارد که در آموزه‌های دینی هم‌پای تکریم و احترام به مادر دانسته می‌شود و از پیامبر اکرم^(ص) نقل کرده‌اند: «حرمت زمین را نگاه دارید که به‌منزله مادر شماست و هرکه روی زمین کار بد یا خوبی کند، از آن خبر می‌دهد».

فرصت اندیشیدن در آیات قدرت

این یعنی همان‌طور که مادر، انسان را از دوران جنینی تا بزرگ‌سالی با حمل، حمایت و مراقبت و هدایت پرورش می‌دهد، زمین هم چنین نقشی دارد و فرصت رشد انسان از طفولیت تا بزرگ‌سالی و حتی تا زمان مرگ را ایجاد و به او امکان بلوغ فکری و بالندگی را عطا می‌کند. علاوه بر این، زمین و طبیعت با مرگ و حیات هرساله خود در زمستان و بهار، انسان را به یاد معاد می‌اندازند و فرصت اندیشیدن در آیات قدرت الهی را به او می‌دهند.

محیط زیست حکم مربی و پرورش دهنده را هم برای ما دارد. پس همان‌طور که حرمت معلم و مربی را نگاه می‌داریم، باید حرمت زمین و محیط زیست را هم نگاه داریم؛ به همین دلیل در روایات از صدمه زدن به محیط زیست نهی شده ایم و فقه اسلامی درباره مسائل مربوط به محیط زیست، بی‌توجه نیست و دستورهای مؤکدی برای حفظ و نگهداری و گسترش و آفت‌زدایی آن به ما می‌دهد.



نگاه اسلام به طبیعت مقدس است

انسان هر چه به طبیعت بنگرد به قدرت خدا در خلق چنین نظام احسنی پیش‌تر پی می‌برد و می‌فهمد خدا چه مهندسی نظام‌مند و بی‌نظیری را در این محیط اعمال کرده تا انسان در بستر آن رشد کند.

آگرهی که خدا آن‌ها را لعن کرده است

محیط زیست و طبیعت سالم علاوه بر نقش تربیتی برای انسان، برکات و آثار مادی و فیزیکی هم دارند؛ چنان‌که در روایات از نگاه کردن به آب روان و سبزه‌زار به عوامل مؤثر در روشنی چشم تعبیر شده‌است که نباید تخریبشان کرد. پیامبر اکرم^(ص) درباره عواقب آلوده کردن محیط زیست فرموده‌اند: «سه گره به دلیل سه کار، مشمول لعن خدا قرار می‌گیرند: نخست آن‌ها که مکان‌های عمومی (امروز بوستان‌ها و خیابان‌ها و...) را آلوده می‌کنند. دوم آن‌ها که نوبت آب را رعایت نمی‌کنند و آن را غصب می‌کنند (مانع رسیدن آب به زمین‌های کشاورزی دیگران و حاصلخیزی آن می‌شوند) و گروه سوم، آن‌ها که سد معبر می‌کنند و مانع عبور عابران می‌شوند» که هرسه این‌ها به ارتباط ما با محیط زیست بازمی‌گردد و به رعایت حقوق آن اشاره می‌کند.

مبایر رسیدن به توحید

نگاه اسلام به طبیعت، مقدس و به‌منزله راهی مهم برای رسیدن به توحید است. انسان هرچه بیشتر به طبیعت و محیط زیست بنگرد، بیشتر به قدرت خدا در خلق چنین نظام احسنی، پی می‌برد و می‌فهمد که خدا چه مهندسی نظام‌مند و بی‌نظیری را در این محیط اعمال کرده‌است تا انسان در بستر آن رشد کند. خدای متعال در آیه ۶۱ سوره مبارک هود می‌فرماید: «...او خدایی است که شمارا از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت...». این یعنی نباید از زمین و مواهب آن غافل باشیم و لازم است از آن برای رشد و تعالی و تربیت استفاده کنیم.

شاهد روز جزا

در حدیثی که از پیامبر^(ص) نقل شده است، زمین در محضر خدا از کارهای خوب و بد انسان گزارش می‌دهد؛ این یعنی با هر تخریب و غفلیتی درباره محیط زیست، پیامدش هم در این دنیا، هم در آن دنیا شامل حالمان می‌شود، حتی به تصریح آیات و روایات، زمین و طبیعت از شاهدان و گواهان قیامت هستند که هم از بی‌اخلاقی‌ها و بد اخلاقی‌ها و غفلت‌های ماشکوه می‌کنند و هم از تلاشی که برای رشد و آبادانی آن کرده ایم، سخن می‌گویند؛ به همین دلیل هم مسئولیت انسان در برابر محیط زیست در اسلام، از همه مکاتب برتر و راهبردی‌تر است.

نشانه مهم خردمندی

زمین، هوشمند و با مهندسی خلق شده است. به تعبیر مولوی، «جمله ذرات زمین و آسمان / لشکر حق‌اند گاه امتحان». در ارتباطات چهارگانه‌ای که برای رشد وسعادت انسان در آموزه‌های دینی تبیین شده‌است، ارتباط انسان با طبیعت و محیط زیست، یکی از روابط اصلی است و یکی از ویژگی‌های اولوالالباب و صاحبان خرد آن است که به محیط زیست نگاه عرفانی دارند؛ هم از آن بهره می‌گیرند و به آن آسیب نمی‌رسانند و هم در نگاهشان، محیط زیست موجودی زنده است که به رشد و حیات دیگر موجودات کمک می‌کند. آیات متعدد قرآن هم، انسان را به تأمل و تدبیر در طبیعت توصیه می‌کنند و این تدبیر و تأمل را نشان خردمندی انسان می‌دانند؛ چون انسان در طبیعت است که به خدائزدیک می‌شود و نشانه‌های قدرت‌آوردارک می‌کند.

راه‌راهی از بحران‌های زیست‌محیطی

اگر فقه اسلام در حوزه محیط زیست رعایت شود، دیگر شاهد بسیاری از بحران‌های امروزی نخواهیم بود؛ برای

بررسی نقشی که اسلام برای محیط‌زیست در زندگی انسان قائل است

درود خدا بر کسی که زمین را احیا کند

آمنه مستقیمی از زندگی خوب از محیط خوب جدا نیست. در هوایی که آلوده و برای گروه‌های پرخطر در حکم سم است یا در شرایطی که بحران آب جدی است و نظریه‌پردازان از جنگ‌های آینده به جنگ آب تعبیر می‌کنند، نمی‌توان احساس رضایت و خوشبختی داشت. راه بهره‌مندی از طبیعت و محیط‌زیست، دست خود ماست و اسلام به زیبایی تمام، چگونگی آن را یادمان داده است تا از این ودیعه الهی، بهترین استفاده را برای زندگی خوب ببریم. به‌مناسبت فرارسیدن روز جهانی محیط زیست، با حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم پاک‌نیا، استاد سطوح عالی حوزه علمیه و مؤلف و محقق سیره اهل بیت^(ع)، درباره نسخه اسلام برای ارتباط با محیط‌زیست گفت‌وگو کرده‌ایم.

مثال در حج، حجاج در حال احرام، حق ندارند به طبیعت آسیبی بزنند و این درسی است که بدانیم در مسیر قرب، باید مراقب محیط زیست خود باشیم. اگر همین فقه ساده را رعایت کنیم، خیلی از اتفاقات ناگوار رخ نمی‌دهد و دیگر نیازی به دستگاه‌های عریض و طویل و تصویب قانون برای حفظ آن نیست.

همین فقه ساده محیط زیست در اسلام اگر رعایت و عملی شود، به بحران‌هایی مثل آلودگی آب و هوا که بیماری‌های بسیار به‌همراه دارد، مبتلانی شویم و هزینه‌های درمان روحی و جسمی و اجتماعی ماکاهش می‌یابد. امام صادق^(ع) می‌فرمایند: «اگر بخواهید زندگی شما گوارا شود، سه ضرورت دارد؛ یکی هوای پاک، دوم آب فراوان و سوم زمین حاصلخیز و کشت و زرع». امروز بسیاری از بیماری‌ها و مشکلات زندگی ما به دلیل آلودگی هوا و کمبود بارش و آب است که کشاورزی را هم تحت تأثیر قرار داده و از رونق انداخته است.

قطع درخت حتی در جنگ، ممنوع!

حفظ محیط زیست به اندازه‌ای در اسلام اهمیت دارد که حتی در جنگ و برای غلبه بر دشمن هم نباید به آن آسیب رساند. سیره پیامبر^(ص) و جنگ‌های صدر اسلام به خوبی اهمیت این موضوع را بازگو می‌کند. نقل است وقتی رسول خدا^(ص) گردانی جنگی را به مأموریت دشمن می‌فرستادند، به فرمانده آنان می‌فرمودند: «مراقب باشید که پیمان خود را نشکنید، در غنائم جنگی خیانت نکنید، گوش و بینی کسی را نبرید و اشجار دشمن را قطع نکنید، مگر آنکه ناچار باشید». فقهای شیعه هم قطع درختان و تخریب مزارع را حتی در سرزمین دشمنی که درحال جنگ با مسلمانان است، جایز نشمرده‌اند و آن را مکروه و ناپسند می‌دانند. بنابر فقه دینی، منابع طبیعی و محیط زیست متعلق به همه انسان‌هاست و همه مردم و جانوران و موجودات زنده در منفعت آن شریک هستند.

تأثیری که تقوا بر محیط زیست می‌گذارد

روایات بارها بر کاشت درخت و حفظ پاک‌ی آب و هوا تأکید کرده‌اند و این حفاظت، برکات فردی و اجتماعی و دنیایی و اخروی بی‌شماری دارد. در آموزه‌های دینی، رونق طبیعت و محیط زیست با تقوا گره خورده است، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «اگر مردم شهرها ایمان بیاورند و تقوایبش کنند، برکات آسمان و زمین مکشوف می‌شود»، یعنی این تقواست که برکات محیط زیست را آشکار و بشر را بهره‌مند می‌کند. علاوه بر رفتارهایی مثل آلوده کردن آب و هوا و قطع درختان و صدمه زدن به حیوانات و منقرض کردن نسل برخی گونه‌های جانوری و امثال آن که مستقیم به محیط زیست آسیب می‌رساند، هستند برخی گناهان ما که عقوبت آن‌ها، از دست رفتن نعمت‌های طبیعی مثل بارش باران و خرمی طبیعت است؛ از جمله این گناهان، کم‌فروشی است. امام باقر^(ع) می‌فرمایند: «از گناهانی که مانع نزول باران است، کم‌فروشی است.»

درا بهره‌مند شدن از مواهب طبیعی

امیرالمؤمنین^(ع) از رسول خدا^(ص) نقل می‌کنند که ایشان فرمودند: «مادامی که امت من به پنج ویژگی پایبند باشند، پیوسته در خیر و برکت به سر می‌برند اما اگر از هر کدام از آن‌ها فاصله گرفتند، به قحطی و خشک‌سالی دچار خواهند شد. این پنج ویژگی عبارتند از: مهرورزی و ایجاد محبت بین یکدیگر، امتداداری، دوری از حرام، مهمان‌داری و به‌پاداشتن نماز». بنابر این باید بدانیم که گناهان، اعمال زشت و بی‌تقوایی‌های ما بر محیط زیست اثر سوء می‌گذارد و به تخریب آن منتهی می‌شود.